

معرفی کتاب توجیه باور: آری یا نه؟ بررسی آرای ویلیام آلستن

محمدعلی مبینی*

توجیه باور: آری یا نه؟
بررسی آرای ویلیام آلستن

محمدعلی مبینی

هدف اساسی این کتاب^۱ بررسی دیدگاه‌های پیشین و پسین ویلیام پی. آلستن^۲ درباره توجیه^۳ است. معمولاً معرفت‌شناسان رویکردی وحدت‌گرایانه به توجیه داشته‌اند؛ به این معنا که آنها مفهوم توجیه را ناظر به یک ویژگی معرفتی مهم و اساسی برای باور دانسته‌اند و برای آن که باور در وضعیت معرفتی مثبتی قرار گیرد، وجودش را در باور شرطی لازم شمرده‌اند. فرض بر این بوده است که همه معرفت‌شناسان در بحث از توجیه، با همه اختلاف نظرهایشان، به نقطه واحدی اشاره دارند و در صدد کشف یک ویژگی عینی واحد هستند. با این حال، اخیراً برخی معرفت‌شناسان این رویکرد وحدت‌گرا را زیر سؤال برده‌اند.

آلستن که در آغاز به عنوان نظریه پرداز برجسته درباره توجیه ظاهر شده بود، در رویکرد اخیرش بر حذف مسئله توجیه در معرفت‌شناسی تأکید و به جای آن از وجود مطلوب‌های معرفتی گوناگونی دفاع می‌کند که هر کدام از آنها می‌توانند به باورهای ما ارزش معرفتی اعطا کنند. در طرح جدید آلستن، دیگر دغدغه موجه بودن باورها دغدغه واقعی معرفت‌شناسان نخواهد بود؛ چرا که ارزیابی معرفتی باورها با توجه به ویژگی‌های معرفتی گوناگون انجام پذیر است. رویکرد جدید آلستن به معرفت‌شناسی باور- در صورتی

۲۱۳



معرفی کتاب توجیه باور: آری یا نه؟

mobini2@yahoo.com

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

• قم - میدان شهدا، ابتدای خیابان معلم
• پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
• تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۲۱۱۶۵
• صندوق پستی: ۳۷۱۸۵/۳۶۸۸
• پست الکترونیک: naqd@ica.ac.ir





که قابل دفاع باشد. چرخشی قابل توجه در ارزیابی‌های معرفتی باورها در پی خواهد داشت. در این کتاب، برآنیم ابتدا سیر تفکر آلستن را از توجیه‌گرایی به سوی انکار توجیه نشان دهیم و پس از آن نگاه جدید آلستن به مسئله را در مقایسه با دیدگاه پیشین‌اش، بررسی کنیم.

این کتاب از یک مقدمه و چهار فصل تشکیل شده است. در مقدمه با معرفی دورنمایی از کتاب، به مباحثی از قبیل پیشینه مباحث توجیه و محورهای اختلاف و توافق درباره توجیه می‌پردازیم و زندگی و آثار آلستن را معرفی می‌کنیم. در فصل اول برخی اندیشه‌های مبنایی آلستن درباره وجودشناسی و معرفت‌شناسی باور را معرفی خواهیم کرد. ابتدا دیدگاه‌های آلستن درباره باور و ویژگی‌های آن مطرح خواهند شد. این دیدگاه‌ها، گرچه دیدگاه‌هایی معرفت‌شناختی نیستند، کمک بزرگی برای فهم دیدگاه‌های معرفت‌شناختی آلستن فراهم می‌کنند؛ برای مثال، برخی استدلال‌های آلستن درباره ماهیت توجیه، ربط وثیقی با دیدگاه او درباره برخی ویژگی‌های باور دارد؛ بخشی از استدلال آلستن در نفی توجیه وظیفه‌شناختی، استناد به ویژگی غیرارادی بودن باور است. گرایش آلستن به برون‌گرایی در ارزیابی معرفتی باور نیز با دیدگاه او درباره غیرارادی بودن باور ارتباط دارد. در این فصل اشاره می‌شود که آلستن باور را نه به معنای قضیه مورد باور، بلکه به معنای حالت روانی ویژه‌ای که در رویارویی با یک قضیه حاصل می‌شود، به کار می‌برد. این حالت روانی از دیدگاه او، شدت و ضعف می‌پذیرد و به اصطلاح، امری درجه‌پذیر است. همچنین باور حالتی استعدادی^۴ است؛ به این معنا که باورهای ما همواره استعداد و آمادگی تأثیرگذاری در نحوه رفتار و اندیشه ما دارند. ویژگی دیگری که آلستن برای باور برمی‌شمارد، ویژگی غیرارادی بودن باور است. آلستن با ذکر شواهدی نشان می‌دهد که باور به هیچ‌وجه تحت کنترل ارادی مؤثر ما قرار ندارد و دخالت ارادی انسان در نحوه شکل‌گیری باور، تنها به صورت تأثیرگذاری غیرمستقیم است. و در نهایت، او میان باور به قضیه و پذیرش قضیه تمایز نهاده و پذیرش را برخلاف باور، عملی کاملاً ارادی می‌داند.

قسمت بعدی فصل اول به معرفی مبانی فکری آلستن در معرفت‌شناسی باور اختصاص دارد. آلستن از معرفت‌شناسانی است که روش دکارتی را که در صدد است ارزیابی معرفتی

را از نقطه صفر و بدون هرگونه پیش فرض معرفتی شروع کند، قابل اجرا نمی‌داند. او معتقد است که موفقیت در تحقیقات معرفت‌شناختی منوط به اتخاذ روش معمول و طبیعی در هر تحقیقی است که تحقیق را با بنا نهادن بر یک سلسله پیش فرض‌های اثبات‌ناشده شروع می‌کنند. آلستن، با این که معتقد است هرگونه پاسخ به مسائل بنیادین معرفت‌شناسی - که از گرایش‌های شکاکانه سرچشمه می‌گیرند - به دور یا تسلسل می‌انجامد، معرفت را امری ممکن تلقی می‌کند.

در این قسمت ابتدا رویکرد طبیعی آلستن به معرفت‌شناسی را توضیح می‌دهیم و سپس دیدگاه او را درباره مشکل دور و تسلسل در مسائل بنیادین معرفت‌شناسی مشاهده خواهیم کرد. وی یک شیوه مواجهه با شکاکیت را استدلال از طریق اعتمادپذیری دستگاه‌های شناختی می‌داند که برخلاف شیوه‌های دیگر سیری از بالا به پایین دارد. او با بررسی استدلال‌های مهم در این زمینه، همه آن استدلال‌ها را دچار گونه‌ای خاص از دور می‌بیند که از آن با عنوان «دور معرفتی» یاد می‌کند. از دیدگاه آلستن، دور معرفتی، بر خلاف دور منطقی، موجب بی‌اعتباری استدلال نمی‌شود، ولی نتیجه دلخواه را هم به بار نمی‌آورد. آلستن به دلیل معیار خاصی که برای اعتبار معرفتی دارد و اعتبار معرفتی باور را وابسته به وجود باوری در سطح بالاتر درباره اعتبار آن نمی‌داند، مسئله را به واقع امر موقوف می‌کند، به این معنا که اگر در واقع دستگاه شناختی ما قابل اعتماد باشد، آن‌گاه باورهای حاصل از آن دستگاه دارای اعتبار معرفتی خواهند بود، بی‌آنکه لازم باشد ما آگاهی سطح بالاتری راجع به اعتمادپذیری آن دستگاه شناختی و اعتبار معرفتی باورهای حاصل از آن داشته باشیم. از این رو، اگر در استدلال بر اعتمادپذیری ادراک حسی از مقدمات حسی بهره بگیریم، بی‌آنکه آگاهی درجه دوم درباره اعتمادپذیری آنها داشته باشیم، ایرادی بر استدلال ما وارد نخواهد بود. با این حال، پرسش ما از این که واقع امر چگونه است و آیا واقعاً دستگاه شناختی مذکور قابل اعتماد است یا خیر، همچنان بی‌پاسخ می‌ماند، گرچه اعتبار معرفتی باور ما به اعتمادپذیری آن دستگاه، وابسته به پاسخ به این پرسش نباشد. نکته آخری که در این فصل به آن می‌پردازیم بررسی معیار موردنظر آلستن برای ارزیابی معرفتی باور است. آلستن





همواره تلاش کرده است تا معیار ارزیابی معرفتی را با توجه به هدف صدق تعریف کند. او چه در دوران توجیه‌گرایی‌اش و چه در دوران انکار توجیه، مفهومی صدق‌آور را برای داوری‌های معرفتی پیشنهاد می‌کند.

در فصل دوم، دیدگاه آلستن را درباره توجیه (در دوران توجیه‌گرایی‌اش) شرح خواهیم داد. مخالفت آلستن با هرگونه تبیین وظیفه‌شناختی از توجیه معرفتی، یکی از محورهای اساسی بحث در این فصل را تشکیل می‌دهد. دلیل عمده آلستن بر انکار مفاهیم وظیفه‌شناختی، غیرارادی بودن باور است که مانع طرح تکالیف و وظایف نسبت به باور می‌شود. او گرچه تأثیر ارادی بر باور به صورت غیرمستقیم را می‌پذیرد، ولی به جهت در نظر داشتن معیار صدق‌آور برای توجیه معرفتی، استدلال می‌کند که وظایفی که از این ناحیه قابل طرح هستند، نمی‌توانند این معیار را برآورده سازند و از این رو، این وظایف فاقد جنبه معرفتی بوده و در تبیین توجیه معرفتی کارایی ندارند.

در ادامه این فصل، با تمایز نهادن میان بحث درباره ماهیت توجیه و بحث درباره شرایط آن، تلاش خواهیم کرد تا دیدگاه آلستن درباره ماهیت توجیه و شرایط آن را بیابیم. آلستن ماهیت توجیه معرفتی باور را عبارت از ابتدای باور بر مبنای کافی دانسته و کفایت مبنای را به این می‌داند که ابتدای باور بر آن، موجب احتمال صدق باور شود. آلستن بحث درباره شرایط توجیه را ناظر به چالش میان درون‌گرایی و برون‌گرایی می‌بیند و معتقد است کسانی که شرایطی صرفاً درون‌گرایانه را درباره توجیه به کار می‌برند کاملاً بر خطا هستند؛ چرا که التزام به این‌گونه شرایط، به بهای از دست دادن هرگونه توجیه معرفتی تمام خواهد شد و یا دست کم، لازم می‌آید بخش اعظم باورهای انسان‌ها را از محدوده باورهای موجّه خارج سازیم. پیشنهاد جایگزین آلستن ارائه ترکیبی از درون‌گرایی و برون‌گرایی است، به این صورت که نسبت به مبانی باور از معنایی ضعیف از درون‌گرایی دفاع می‌کند، ولی نسبت به مسئله کفایت آن مبانی، نگرشی کاملاً برون‌گرایانه دارد و هرگونه درون‌گرایی را در مورد آن دچار مشکل می‌بیند.

در این فصل، همچنین تقریر آلستن از مبنای‌گرایی را مطرح می‌کنیم. به عقیده آلستن،

برخی از استدلال‌هایی که بر ضد میناگرایی اقامه شده‌اند، ناظر به جنبه‌هایی از میناگرایی هستند که می‌توان آن جنبه‌ها را از میناگرایی جدا کرد، بدون آن که میناگرایی را از دست داد. دفاع آلستن از میناگرایی به این دلیل است که به عقیده او، انکار آن موجب افتادن به دام تسلسل یا دور می‌شود.

در فصل سوم، رویکرد جدید آلستن به مسئله توجیه را مطرح کرده، دلیل مخالفت آلستن با توجیه‌گرایی و طرح جایگزین او برای معرفت‌شناسی باور را بیان خواهیم کرد. او اختلاف‌های عمیق و گسترده درباره توجیه را زمینه مناسبی برای انکار توجیه می‌بیند. با این حال، آلستن توجه دارد که این گونه اختلاف‌ها درباره بسیاری از مسائل فلسفی وجود دارد و صرف وجود اختلاف درباره چیزی، دلیل بر عدم وجود آن چیز نیست؛ اما آلستن استدلال می‌کند که اختلاف‌ها درباره توجیه به گونه‌ای هستند که بهترین تبیین از وجود چنین اختلاف‌هایی این است که بگوییم اساساً چیزی که بر سر آن اختلاف شده است، واقعیت ندارد. پس از بیان دلیل آلستن بر این ادعا، رویکرد کثرت‌گرایانه آلستن را معرفی می‌کنیم. او ویژگی‌های متعددی را در باور بازمی‌شناسد که همگی از منظر معرفتی مثبت تلقی می‌شوند و از آنها به عنوان مطلوب‌های معرفتی یاد می‌کند. معیار او برای مطلوبیت معرفتی یک ویژگی، صدق‌آور بودن آن ویژگی است؛ از این رو، ویژگی صادق بودن باور، مهم‌ترین مطلوب معرفتی به شمار می‌آید. پس از آن، ویژگی‌هایی از باور قرار دارند که دخالت مستقیم در بالا بردن احتمال صدق باور دارند و در رتبه بعد از آن، ویژگی‌هایی هستند که گرچه دخالت مستقیم در بالا بردن احتمال صدق باور ندارند، وجودشان برای افزایش باورهای صادق در دستگاه شناختی مان مفید واقع می‌شود. علاوه بر این، آلستن برخی ویژگی‌های نظام‌های باورها، از قبیل انسجام و نظام‌مندی آنها، را نیز به عنوان مطلوب‌های معرفتی ذکر می‌کند. پس از معرفی این مطلوب‌های معرفتی، آلستن پیشنهاد می‌کند که در معرفت‌شناسی باور از همه این ویژگی‌ها بحث شود. جدای از بحث درباره روابط متقابل میان این ویژگی‌ها، دیگر محورهای بحث درباره هر ویژگی عبارت‌اند از: ماهیت آن ویژگی، امکان‌پذیری آن برای انسان و اهمیت عملی و نظری آن در زندگی.





سرانجام در فصل چهارم، نکاتی تحلیلی و انتقادی را دربارهٔ رویکرد کثرت‌گرایانه و ضد توجیهی آلستن در معرفت‌شناسی باور بیان خواهیم کرد. یک انتقاد مهم به رویکرد ضد توجیهی آلستن، این است که وی با انکار توجیه، ارزیابی معرفتی باور را به ارزیابی‌های نسبی محدود کرده است. از نظر نگارنده، ارزیابی معرفتی، همانند بسیاری از ارزیابی‌های دیگر، به دو صورت قابل انجام است: ارزیابی‌های نسبی که با توجه به هر یک از ویژگی‌های باور انجام می‌گیرد و دربارهٔ وضعیت معرفتی آن باور نسبت به همان ویژگی داوری می‌شود، و ارزیابی نهایی یا جامع‌نگر که با توجه به مجموعهٔ ویژگی‌های باور انجام می‌پذیرد و دربارهٔ مثبت یا منفی بودن وضعیت معرفتی باور من‌حیث‌المجموع اظهار نظر می‌شود. توجیه، مسئله‌ای مربوط به ارزیابی معرفتی نهایی است و انکار آن به‌معنای اکتفا به ارزیابی‌های معرفتی نسبی و لازم‌ندانستن داوری نهایی و کل‌نگر دربارهٔ وضعیت معرفتی باورها است و این برخلاف فهم مشترک و انتظار معقول ما از ارزیابی‌های معرفتی است. انتقاد دیگر به رویکرد ضد توجیهی آلستن، عدم موفقیت او در ارائهٔ طرحی جایگزین است. آلستن به‌رغم ادعای کثرت‌گرایانه و تلاش برای نشان دادن مطلوب‌های معرفتی متعدد، در انجام این وظیفه در بسیاری از موارد ناکام مانده و کثرت‌گرایی ظاهری او به‌گونه‌ای تحویل‌گرایی مخفی، تبدیل می‌شود. مصداق روشن این تحویل‌گرایی، هنگام معرفتی مطلوب‌های صدق‌آور که از دیدگاه او مهم‌ترین و اساسی‌ترین مطلوب‌های معرفتی هستند رخ می‌دهد، به‌گونه‌ای که پنج ویژگی معرفتی شده در این مجموعه، به تنها یک ویژگی فروکاسته می‌شوند که آن نیز همان ویژگی‌ای است که او در دوران توجیه‌گرایی از آن دفاع کرده بود.

یکی دیگر از محورهای بررسی و نقد در این فصل، تلاش آلستن در تضعیف رویکردهای وظیفه‌شناسانه به معرفت‌شناسی باور است. آلستن برای رسیدن به این هدف از رویکردی بسیار جبرگرایانه نسبت به کسب باورها دفاع می‌کند و از آنجا که نقش اراده را در تشکیل باور، بسیار ناچیز می‌داند، دایرهٔ وظایف و تکالیف ما نسبت به شکل‌دهی باورها را بسیار محدود می‌کند. علاوه بر این، وظایف قابل تصور را نیز وظایفی معرفتی ندانسته و جنبهٔ معرفتی آنها را انکار می‌کند. انتقاد نگارنده به این اندیشهٔ آلستن از دو ناحیه صورت

می‌گیرد. اولاً، نشان داده می‌شود که میزان ارادی بودن باور بیش از آن چیزی است که آلستن در نظر دارد و به همین میزان، وظایفی که در مورد شکل‌گیری باورهایمان متوجه ماست افزایش می‌یابد. ثانیاً، بر وجهه معرفتی این وظایف استدلال شده و نشان داده می‌شود که می‌توانیم این وظایف را وظایفی معرفتی بنامیم.

خلط مهمی که به نظر می‌رسد آلستن و بسیاری از معرفت‌شناسان دیگر مرتکب شده‌اند این است که چنین فکر می‌کنند که اگر وظایف و تکالیف ناظر به باور را معرفتی بدانیم، آن‌گاه داوری معرفتی ما از باورها نیز لزوماً باید داوری وظیفه‌شناختی باشد. حال آن‌که داوری معرفتی در این‌جا می‌تواند هم از منظر وظیفه‌شناختی انجام شود و هم از منظری غیروظیفه‌شناختی، به گونه‌ای که هر دو داوری را می‌توان «داوری از منظر معرفتی» نام نهاد. بر این اساس، می‌توان از دست‌کم، دو مفهوم از توجیه معرفتی دفاع کرد که یکی از آنها مفهومی وظیفه‌شناختی و ناظر به وظایف و تکالیف معرفتی ماست و دیگری، مفهومی غیروظیفه‌شناختی و ناظر به اهداف معرفتی.

۲۱۹



معرفی کتاب توجیه باور: آری یا نه؟

پی‌نوشت‌ها

۱. کتاب توجیه باور: آری یا نه؟ بررسی آری ویلیام آلستن، به همت نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی آماده چاپ و نشر است.
۲. William Pyne Alston (۱۹۲۱-۲۰۰۹)؛ اندیشمند آمریکایی و صاحب آثار در معرفت‌شناسی، متافیزیک، فلسفه زبان و فلسفه دین.

3. justification
4. dispositional